



رجال طوسی

پدیدآورنده (ها) : شبیری، سید محمدجواد

ادیان، مذاهب و عرفان :: نشریه دانشنامه جهان اسلام :: جلد ۱۹ (ذوالکفل - رشید)

صفحات : از ۵۴۳ تا ۵۵۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1699551>

تاریخ داندود : ۱۴۰۲/۰۹/۱۴

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- رجال نجاشی
- گزارش تصحیح اسناد بصائرالدرجات، همراه با معرفی پاره ای از نسخه های خطی بصائر
- منبع شناسی : اثبات الوصیة و مسعودی صاحب مروج الذهب
- توقیع (۳)
- تهذیب الاحکام
- گزارش؛ نقش نسخه شناسی در شناخت عوامل تحریف
- تربت (۱)
- النعمانی و مصادر الغیبة
- پرونده کلینی و کافی
- زرارة بن أعین الشیبانی، شبهات و ردود
- بررسی حجیت خبر واحد در مسائل غیر فقهی با توجه به معنای حجیت و تطبیق آن بر نظر آیت الله خوئی رحمه الله علیه و علامه طباطبائی رحمه الله علیه
- تصحیف و تحریف

عناوین مشابه

- اعتبار سنجی تاریخی رجال شیخ طوسی در ضبط اصحاب امام حسین (ع)
- روایات بکر بن محمد و مسئله تعارض در باب سیزدهم رجال شیخ طوسی
- نگرشی نو به واقفۀ اصحاب امام کاظم (ع) در رجال طوسی
- مزایای فهرست نجاشی بر فهرست و رجال شیخ طوسی و بررسی نسبت و اختلاف آنها با یکدیگر
- جایگاه راویان در رجال شیخ طوسی
- بررسی و ارزیابی روش شیخ طوسی در نقد رجال و آثار
- بازخوانی نسبت برخی کتاب ها به بعضی از مؤلفان در رجال النجاشی و الفهرست شیخ طوسی
- پژوهشی در تراث رضوی علیه السلام بر مبنای رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی
- نقل التكنولوجيا و رجال الصناعة فی أمريكا اللاتينية
- ملوک الصدف أو رجال صیرتهم الطبيعة ملوکا

(ص ۴۱۳)، تاریخ تألیف کتاب در فاصله سالهای ۴۲۳ تا ۴۳۶ بوده است.

قراین دیگری نیز به تخمین دقیق‌تر کمک می‌کند، از جمله تاریخ تألیف برخی از آثار شیخ طوسی و نحوه ارجاع دادن وی در آثار خود به دیگر آثارش و مقایسه آن با فهرست کتب وی که در کتاب فهرست (ص ۴۴۷-۴۵۱) آمده است. در این فهرست آثار که عمدتاً به ترتیب زمانی تألیف کتابها سامان یافته است، کتاب رجال هشتمین کتاب است و پس از تهذیب و استبصار و عُدَّة الاصول و تلخیص الشافی قرار دارد. تألیف عُدَّة الاصول، باتوجه به عبارت آغاز آن (ص ۱، ج ۳)، قبل از الذریعة الی اصول الشریعة* شریف مرتضی (نگاشته شده در ۴۳۰) آغاز شده، و تألیف تلخیص الشافی در رجب ۴۳۲ پایان یافته است (ص ۲، ج ۲، جزء ۴، ص ۲۲۷). بنابراین بعید نیست که کتاب رجال در همین سالها نگاشته شده باشد.

گفتنی است، یکی از مصادر اصلی باب پایانی رجال، فهرست طوسی است (ص ادامه مقاله) که نام آن بارها در این باب و نیز در باب اصحاب الکاظم علیه السلام (ص ۳۳۵) آمده و نشان می‌دهد تألیف رجال پس از فهرست صورت گرفته است. البته در شرح حال زراره در فهرست (ص ۲۱۰) اشاره شده است که نام خاندان وی در رجال ذکر خواهد شد و این نشان می‌دهد شیخ طوسی هنگام نگارش این قسمت از فهرست در مقام نگارش رجال بوده و چه بسا تألیف آن را نیز آغاز کرده بوده، لذا نام کتاب رجال در فهرست آثار شیخ، قبل از نام کتاب فهرست آمده است.

افزون بر این، فهرست و رجال هر دو به درخواست مکرر کسی نوشته شده‌اند که از وی با عنوان «الشیخ الفاضل» یاد شده است (ص طوسی، فهرست، ص ۳؛ همو، رجال، ص ۱۷). همین شخص تألیف کتابهای المفصح فی الامامة (چاپ شده در الرسائل العشر، ص ۱۱۷) و الجمل و العقود (ص ۳۳) را نیز از او خواسته بوده است. از قطب الدین راوندی در حل العقود (ظاهراً المعقود) من الجمل و العقود نقل شده که مراد از شیخ فاضل قاضی ابن براج (متوفی ۴۸۱) است (ص کاظمی، ص ۹). در حاشیه برخی از نسخه‌های قدیم الجمل و العقود نیز این مطلب آمده است (آقابزرگ طهرانی، ج ۵، ص ۱۴۵؛ نیز ص طوسی، الجمل و العقود، مقدمه و اعطزاده خراسانی، ص ۱۴). این امر نیز تاریخ تقریبی پیشین را تأیید می‌کند، چرا که ابن براج در اواخر عمر شریف مرتضی، از ۴۲۹ تا ۴۳۶، همراه شیخ طوسی در درس شریف شرکت می‌کرد، و پس از آن در درس شیخ طوسی حاضر شد و در ۴۳۸ به طرابلس شام بازگشت و در آنجا سالها به امر قضا اشتغال داشت و تا زمان وفات در آنجا ماند (افندی اصفهانی، ج ۳، ص ۱۴۲). بنابراین، تاریخ تألیف رجال

معرفه الرجال، چاپ جواد قیومی اصفهانی، [قم] ۱۴۱۷؛ محمد عمادی حائری، بازسازی متون کهن حدیث شیعه: روش، تحلیل، نمونه، تهران ۱۳۸۸ ش؛ محمد بن عمر کشی، اختیار معرفة الرجال [تلخیص] محمد بن حسن طوسی، چاپ حسن مصطفوی، مشهد ۱۳۴۸ ش؛ کلینی (بیروت)؛ مجلسی؛ نجاشی.

/ حمید باقری /

رجال طوسی، یکی از کتابهای اصلی رجال شیعه

تألیف شیخ الطایفه، محمد بن حسن طوسی* مؤلف در کتاب فهرست خود (ص ۴۴۸، نیز ص ۲۱۰) از این اثر با نام کتاب الرجال یاد کرده و در توضیح آن افزوده است: «مَنْ رَوَى عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ الْأَئِمَّةِ الْأَثْنَى عَشَرَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ مَنْ تَأَخَّرَ عَنْهُمْ» (قس همو، رجال، ص ۱۷). در رجال نجاشی (ص ۴۰۳) هم از این کتاب با همین نام و توضیحی مشابه (با حذف عبارت آخر) یاد شده است. در آثار متأخر نیز از این کتاب با این نام مطالبی نقل شده است (ص ابن طاووس، فرج المهموم، ص ۱۲۱، ۱۳۲؛ محقق حلّی، ۱۳۶۴ ش، ج ۱، ص ۴۱۳؛ همو، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۰۴؛ ابن داود حلّی، ستون ۱، ۳؛ علامه حلّی، ۱۴۱۷، ص ۱۹۷؛ همو، ۱۴۱۳-۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۴۷).

ابن طاووس (فلاح السائل، ص ۱۴) و پس از وی علامه حلّی (ص محمدباقر مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۴، ص ۱۳۵) از این کتاب با نام اسماء الرجال یاد کرده‌اند؛ این نام که برگرفته از تعبیر شیخ طوسی در مقدمه کتاب (ص ۱۷) است، دقیق نیست. ابن حجر عسقلانی (متوفی ۸۵۲) در لسان المیزان از این کتاب در بیش از ۳۵۰ موضع با نام رجال الشیعة و گاهی با نام رجال الامامیة (ص ۲، ج ۲، ص ۲۵۸) یا رجال الشیعة الامامیة (ج ۱، ص ۳۳۶، ج ۲، ص ۲۳۴) یا الشیعة الامامیة (ج ۱، ص ۲۰، ۵۳) و مانند آن (مثلاً ج ۱، ص ۲۳، ۳۲، ۴۷) نقل کرده است. این نامها بسیار نادقیق‌اند، چون کتابی را که به شیعه یا امامیه اختصاص ندارد، مختص این طایفه معرفی می‌کنند (ص ادامه مقاله).

علامه بحر العلوم (ج ۳، ص ۲۳۱) از این کتاب با نام الابواب و بغدادی (ج ۲، ستون ۷۲) با نام الابواب علی طبقات الاصحاب نام برده‌اند؛ هرچند این کتاب براساس ابواب تنظیم شده است، دلیلی بر چنین نام‌گذاریهایی در دست نداریم.

تاریخ دقیق تألیف رجال طوسی دانسته نیست، ولی چون در شرح حال شریف مرتضی (متوفی ۴۳۶) که در باب پایانی کتاب (ص ۴۳۴) قرار دارد، برای توفیق و طول عمر وی دعا شده، می‌توان دریافت که این کتاب در حیات شریف مرتضی تدوین شده است (شیرازی، ۱۳۷۰ ش، ص ۱۶۰). همچنین، چون تاریخ وفات احمد بن عبدون (۴۲۳) در این کتاب ذکر شده

شیخ را در فاصله حدود سالهای ۴۳۰ تا ۴۳۶ می‌توان تخمین زد.

در رجال طوسی شرح حال راویان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و آله‌وسلم و دوازده امام معصوم علیهم‌السلام هرکدام در بابی جداگانه نگارش یافته‌است، و باب پایانی کتاب به راویانی اختصاص دارد که در عصر غیبت امام دوازدهم می‌زیستند یا معاصر امامان بودند ولی از ایشان روایت نکرده‌اند. کتاب به ترتیب حروف الفبا تنظیم شده‌است و در هر باب بابیهایی فرعی را از باب «همزه» تا باب «یاء» (با مقدم داشتن باب و او بر باب هـ) دربردارد. پس از آن باب کُنی و باب‌النساء قرار دارد. در باب راویان امام صادق علیه‌السلام، قبل از باب‌النساء، بابی با نام «باب مَنْ لَمْ یَسْمَ» به راویان مبهم اختصاص دارد (ص ۳۲۶).

مؤلف در مقدمه کتاب (ص ۱۷) یادآور شده که هرچند کوشیده‌است شرح حال همه راویان امامان را در این کتاب گرد آورد، به سبب فراوانی و پراکندگی‌شان در شرق و غرب، این کار امکان ندارد و وی امیدوار است راویانی که ذکر آنها نرفته‌است، اندک باشند.

با توجه به مقدمه کتاب و بررسی متن آن روشن می‌شود که هیچ ویژگی دیگری در افراد ذکر شده در کتاب، جز روایت کردن از معصومان در نظر گرفته نشده‌است. از این رو، از راویان اهل سنت و شیعه، راویان امامی و پیروان دیگر فرقه‌های شیعه، و نیز از راویان مؤمن و منافق و ثقه و غیرثقه در کنار هم در این کتاب سخن رفته‌است (ثقة الاسلام تبریزی، ج ۱، ص ۸۵؛ شوشتری، ج ۱، ص ۲۹؛ کلباسی، ج ۱، ص ۱۴۹). نام امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام در اصحاب پیامبر اکرم و نیز نام هر امام در باب راویان از پدر ایشان (و در مواردی در باب راویان از جد آن امام) ذکر شده‌است. در اصحاب پیامبر، نام سلمان، مقداد، جندب بن جنادة، ابوذر، و نیز ابوبکر، عمر، عثمان، معاویه و عمرو عاص، و در باب راویان امیرالمؤمنین علیه‌السلام نام سلمان و مقداد و ابوذر و عمار، با وصف ارکان اربعه، در کنار نام زیاد بن عبید، عبیدالله بن زیاد، عبدالله بن وهب راسبی، رئیس خوارج، و عبدالله بن سبا (با این توضیح: الَّذِی رَجَعَ إِلَى الْكَفْرِ وَأَظْهَرَ الْغِلْوَ) کَشَی، ص ۱۰۶، ۱۰۸؛ شوشتری، ج ۶، ص ۳۶۷ دیده می‌شود. در بابیهای راویان امام باقر و امام صادق علیهما‌السلام نام کسانی همچون منصور دوانیقی، ابوالجارود زیاد بن مروان، مؤسس مذهب جارودیه، حسن بن صالح بن حی، مؤسس مذهب صالحیه از زیدیه، ابوحنیفه نعمان بن ثابت، مالک بن انس و سفیان بن سعید ثوری و دیگر فقیهان نامور اهل سنت، در موارد بسیاری بدون اشاره به مذهب آنان، آورده شده‌است (مثلاً ص ۲۲۰، ۳۰۲). همچنین شاهی وجود ندارد بر اینکه طوسی بنا داشته‌است به امامی

نبودن راویان مذکور در کتاب تصریح کند تا نبودن چنین تصریحی نشانه امامی بودن شخص باشد (قس مامقانی، ج ۳، ص ۴۸، ۵۳، ۶۳، ۷۲، ۷۴، ۷۶، ۷۸، که غالباً از این افراد با وصف «امامی مجهول» یاد می‌کند).

برخی صحابی یک امام بودن را نشانه اعتقاد درست آن شخص و پیروی وی از امام خود دانسته‌اند (عـ اعرجی، ج ۱، ص ۱۱۶)، ولی حتی اگر از کلمه «اصحاب» چنین برداشتی شود، رجال طوسی به اصحاب امامان اختصاص ندارد بلکه هرکس از پیامبر یا امام حتی یک مورد روایت کرده باشد (عـ طوسی، رجال، ص ۲۴، ۲۸، ۳۵۱؛ نیز عـ نوری، ج ۷، ص ۷۹) در موضوع این کتاب قرار دارد و روایت کردن از امام، به ویژه اگر اندک باشد، به هیچ وجه دلیل بر راست اعتقادی یا پیروی راوی از امام نیست.

برخی از محدثان با استناد به عباراتی از بزرگان که در آن اصحاب موثق امام صادق علیه‌السلام را چهار هزار تن دانسته‌اند (عـ مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۷۹؛ فتال نیشابوری، ص ۲۰۷؛ طبرسی، ج ۱، ص ۵۳۵)، و نیز براساس این گفته ابن شهر آشوب (ج ۴، ص ۲۴۷) که ابن عقده* (متوفی ۳۳۲ یا ۳۳۳) شرح حال همه آنها را در رجال خود گرد آورده بوده‌است و با این باور که شرح حال همه اصحاب امام صادق در رجال طوسی برگرفته از رجال ابن عقده‌اند، همه راویان مذکور در این باب را تا زمانی که دلیلی بر ضعیف بودن آنها نباشد، ثقه دانسته‌اند (عـ حرعاملی، ۱۳۶۲ ش، قسم ۱، ص ۸۳؛ همو، ۱۴۰۳، ص ۲۳۲؛ نوری، ج ۷، ص ۷۱؛ و برای پاسخ آن عـ کلباسی، ج ۱، ص ۱۵۱؛ خویی، ج ۱، ص ۵۵)؛ اما شرح حال همه افراد یاد شده در باب اصحاب الصادق رجال طوسی برگرفته از رجال ابن عقده نیست (عـ ادامه مقاله) و در سخنان هیچ یک از رجالیان متقدم گفته نشده‌است که رجال ابن عقده به راویان ثقه اختصاص دارد (مثلاً عـ نجاشی، ص ۹۴؛ طوسی، فهرست، ص ۶۹). علامه حلی که در خلاصة الاقوال توثیقات (مثلاً ص ۹۳، ۱۰۸-۱۰۹، ۱۲۶) و تضعیقاتی (ص ۲۷۱، ۳۴۵) را از ابن عقده نقل کرده، در وصف رجال او آورده که وی فقط شرح حال چهار هزار راوی و روایات آنها را گردآوری کرده‌است (ص ۳۲۲).

در عین حال، آخرین باب به نوعی به راویان شیعی اختصاص دارد و به گفته شوشتری (ج ۱، ص ۲۹) ظاهراً در آن از راویان غیرامامی ذکری نرفته‌است. اما در این باب، نام راویان زیدی همچون ابن عقده (عـ ص ۴۰۹) و عبدالعزیز بن اسحاق (ص ۴۳۲)، راویان واقفی همچون حمید بن زیاد* (ص ۴۲۱) و بنی رباح (ص ۴۱۶)، و راویان غالی یا متهم به غلو و تفویض همچون آدم بن محمد قلاتسی (ص ۴۰۷)، احمد بن حسین بن سعید (ص ۴۱۵) و طاهر بن حاتم (ص ۴۲۸) دیده می‌شود

در نخستین بابهای کتاب دو اصطلاح ثقه یا ضعیف به کار رفته و کاربرد آنها از باب اصحاب امام باقر آغاز شده است (برای نمونه ← ص ۱۲۴، ۱۲۶). البته الفاظ مدح همچون اَوَّل الارکان الاربعة (ص ۶۵)، رابع الأركان (ص ۷۰)، قُتِلَ مع الحسین علیه السلام (ص ۲۱) و قُتِلَ مَعَهُ که در باب اصحاب امام حسین بسیار ذکر شده است، و الفاظ ذم همچون سَبَّی الرأی فی علی علیه السلام (ص ۲۴)، إرتدَّ بعد النبی صلی الله علیه وآله (ص ۲۳)، صاحب الترهات، مَخْلَطٌ (ص ۷۵)، عدوُّ الله ملعونٌ (ص ۷۶)، ثُمَّ صار خارجياً ملعوناً (ص ۵۷)، و لَحِقَ بمعاوية (ص ۹۵) در این ابواب دیده می شود.

توثیق و تضعیف از باب اصحاب امام باقر آغاز شده است. در این باب پنج تن توثیق شده اند و یک تن تضعیف شده است. باب اصحاب امام صادق تقریباً از توثیق و تضعیف خالی است، و از باب اصحاب امام کاظم توثیق و تضعیف به شکل گسترده مطرح شده است.

در این باب، از هشت تن و در باب اصحاب امام رضا از یازده تن با عنوان مجهول یاد شده است و از باب اصحاب امام کاظم راویان غالی یا متهم به غلو معرفی شده اند (برای آمار تفکیکی توثیق و تضعیف ← شبیری، ۱۳۷۰، ص ۱۶۶، ۱۷۳، ۱۹۵، ۲۰۴، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۵؛ و برای نام افراد ثقه و ضعیف و کسانی که به مذاهب فلسفه منسوب شده اند ← طوسی، رجال، ص ۵۸۳-۵۹۱).

گاهی یک نام در چند باب ذکر شده، اما فقط در یک باب توثیق یا تضعیف شده است (مثلاً ← ش ۵۵۵۶ و ۵۶۹۹، ۵۸۲۹ و ۵۶۴۷). گاهی تضعیف در دو باب به دو شکل متفاوت آمده است (مثلاً ش ۵۱۲۴ و ۵۴۲۳؛ ۵۴۶۴، ۵۷۵۸، ۵۸۸۵، ۶۳۶۱). این تفاوتها ناشی از اختلاف مصادر کتاب در دو باب مختلف بوده و سبب تفاوت شرح حال افراد از نظر گستردگی و تنوع اطلاعات شده است (← ادامه مقاله).

در باب اصحاب امام کاظم علیه السلام ۵۶ تن (از ۲۶۳ تن) واقعی معرفی شده اند که ظاهراً از کتابی مختص واقفیان همچون کتاب الرد علی الواقفة تألیف حسن بن موسی خشاب* گرفته شده است (← کشی، ص ۴۶۶، ۴۶۸-۴۶۹، ۵۵۶؛ نجاشی، ص ۴۲)؛ اما به واقفی بودن بسیاری از این افراد در دیگر کتابهای رجال، حتی در دیگر کتابهای شیخ طوسی، اشاره ای نشده است (مثلاً ← طوسی، رجال، ش ۵۱۰۸؛ قس کشی، ص ۴۳۸؛ نجاشی، ص ۴۰۷؛ طوسی، فهرست، ص ۴۵۲-۴۵۳)، بلکه برخی از آنها در دیگر کتابها توثیق شده اند (مثلاً ← طوسی، رجال، ش ۴۹۴۵؛ قس نجاشی، ص ۷۱؛ طوسی، فهرست، ص ۳۹-۴۰؛ برای نمونه دیگر ← طوسی، رجال، ش ۴۹۷۲؛ قس علامه حلی، ۱۴۱۷، ص ۳۳۷-۳۳۸)، یا در کتب دیگر

(برای فهرست راویان غیر امامی ← ص ۵۸۸-۵۹۱). احتمال واقعی بودن برخی از استادان حمیدبن زیاد که به مذهب آنها تصریح نشده و در این باب از آنها یاد شده بسیار زیاد است، کسانی همچون احمدبن محمدبن زید خزاعی که حسن بن محمدبن سماعه، از واقفیان معروف، بر وی نماز گزارد (← ص ۴۰۸؛ نیز ← نجاشی، ص ۴۲)، و نیز علی بن ابراهیم خیاط که ابراهیم بن محمد علوی بر او (ص ۴۳۰) و بر حسن بن محمدبن سماعه (نجاشی، ص ۴۲) نماز گزارد. بنابراین، به نظر می رسد که در باب آخر، راویان امامی مذهب و راویان واقعی و نیز زیدانی که به نحوی با امامیان ارتباط داشتند یا از مشایخ راویان امامی همچون تلکبری* بودند (← ص ۴۳۲) یا با آنها حشرونشر داشتند (ص ۴۰۹) نیز ذکر شده اند، حتی اگر به غلو یا تفویض گرایش داشته یا بدان متهم بوده اند.

در رجال طوسی در هیچ موردی به فطحی بودن یک فرد تصریح نشده، هرچند نام راویانی فطحی همچون عبداللّه بن بُکیر بن اعین (ص ۲۳۰، ش ۳۱۱۸؛ نیز ← فهرست، ص ۳۰۴) و علی بن حسن بن فضال (ص ۳۸۹-۴۰۰؛ نیز ← فهرست، ص ۲۷۲) آمده است.

از رجال طوسی دو چاپ معروف در دست است، یکی تصحیح محمدصادق آل بحر العلوم (نجف ۱۳۸۱) و دیگری تصحیح جواد قیومی اصفهانی (قم ۱۴۱۵).

شمار افراد مذکور در چاپ نخست ۶۴۱۷ تن و در چاپ دوم ۶۴۲۹ تن است، اما شمار افراد یاد شده در این دو چاپ با نسخه های خطی معتبر، متفاوت است. در قدیم ترین نسخه موجود (تاریخ کتابت: ۲۱ رجب ۵۳۳ به خط محمدبن سراهنگ ← طوسی، رجال، ص ۱۶، تصویر نسخه خطی) شمار افراد کمتر است و بنابر محاسبه ای تعداد آنها ۶۳۴۷ تن است (← شبیری، ۱۳۷۰، ص ۱۶۵). این تفاوت ناشی از آن است که در حاشیه نسخه های خطی از رجال طوسی (تاریخ کتابت: ۳ شوال ۱۰۲۶) نامهای بسیاری درج شده بوده است که بسیاری از آنها به متن چاپهای کتاب راه یافته اند، ولی روشن نیست که این نامها از اصل کتاب است یا از افزوده های مؤلف. به احتمال قوی، برخی از مراجعه کنندگان به نسخه های کتاب، نامهای دیگر از راویان امامان را در حاشیه آن نوشته و ناسخان بعدی به گمان اینکه این نامها از کتاب افتاده بوده آنها را در متن وارد کرده اند. باب اصحاب امام صادق در رجال طوسی با ۳۱۷۷ تن، بیشترین، و باب اصحاب امام حسن با ۴۱ نام، کمترین تعداد راویان را دربردارند (برای آمار بابهای مختلف رجال ← شبیری، همانجا). در بابهای نساء، ۶۳ نام و در بابهای گنی، ۲۱۲ نام و در باب راویان بدون نام (مَنْ لَمْ يُسَمَّ) در بخش اصحاب امام صادق، ۱۴ تن ذکر شده اند.

تضعیف شده‌اند ولی از واقعی بودن آنها سخنی در میان نیست (طوسی، رجال، ش ۵۰۸۹؛ قس ابن غضائری، ص ۷۸؛ نجاشی، ص ۲۲۶). بنابراین، در واقعی بودن این افراد فقط به گزارش رجال طوسی نمی‌توان استناد کرد، به‌ویژه آنکه قرائن روشنی بر واقعی نبودن بعضی از آنها وجود دارد (طوسی، رجال، ش ۵۰۲۱؛ قس نجاشی، ص ۱۹۳، که وی را به طور مکرر توثیق کرده‌است). درباره برخی دیگر نیز این احتمال هست که آنها در آغاز پیدایی جریان وقف به آن گرویدند، اما پس از مدت کوتاهی از آن برگشتند، و شیخ طوسی در هنگام نگارش این قسمت از رجال خود به برگشتن آنان از این جریان اطلاع نیافته بوده‌است (شیری زنجانی، درس خارج فقه نکاح، مورخ ۳ مهر ۱۳۷۹؛ شبیری، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۳۳۴).

از بحثهای مطرح درباره رجال شیخ طوسی تکرار نامها است. در این کتاب نام کسانی که از صحابیان دو یا چند معصوم بوده‌اند در همه بابهای مرتبط ذکر شده‌است، مثلاً نام جابر بن عبدالله انصاری* در شش باب (ص ۳۱، ۵۹، ۹۳، ۹۹، ۱۱۱، ۱۲۹)، آمده‌است. ولی در نامهای تکراری دو اشکال دیده می‌شود، یکی تکرار یک نام هم در باب راویان امامان و هم در باب پایانی کتاب و دیگری تکرار یک نام در یک باب.

درباره اشکال نخست گفتنی است که باب پایانی رجال، به تصریح مؤلف (ص ۱۷)، به کسانی اختصاص دارد که در عصر بعد از امام یازدهم می‌زیسته‌اند یا معاصر امامان بوده‌اند، ولی از ایشان روایت نکرده‌اند، پس نام آنها نباید در دیگر بابهای رجال تکرار شده باشد. این مشکل را نخستین بار علامه حلی (۱۴۱۷، ص ۳۱۴-۳۱۵) و سپس ابن‌داوود حلی (ستون ۳۶، ۱۳۳) مطرح کردند و برای حل آن، فرضیه یکی نبودن دو نام – اگرچه در حد احتمال – را مطرح کردند (قس شوشتری، ج ۱، ص ۲۱۰). پس از آن این بحث اوج گرفت و چندفرض برای حل مشکل مطرح شد (استرآبادی، ج ۱، ص ۲۹۶؛ بحرالعلوم، ج ۴، ص ۱۴۱-۱۴۳، قس ج ۳، ص ۲۸۲-۲۸۶؛ اعرجی، ج ۱، ص ۲۵۴؛ نوری، ج ۳، ص ۱۷۵؛ کلباسی، ج ۱، ص ۱۳۴؛ شوشتری، ج ۱، ص ۴۲؛ خویی، ج ۱، ص ۹۷، قس، ج ۳، ص ۳۴۶-۳۴۷، ج ۹، ص ۲۲۷-۲۲۸، ۲۴۹-۲۵۰، ج ۱۳، ص ۲۷۹-۲۸۱). چند مقاله نیز در این باره تألیف شده‌است، از جمله محمدرضا حسینی‌جلالی در مقاله «باب من لم یرو عن الائمه علیهم‌السلام فی کتاب الرجال الشیخ الطوسی» در مجله تراثنا (سال ۲، ش ۲ و ۳، ربیع‌الثانی - رمضان ۱۴۰۷، ص ۱۴۹-۴۵) و دریاب نجفی در مقاله «مع الطوسی فی رجاله: باب من لم یرو منهم علیهم‌السلام من رجال الشیخ الطوسی و الجواب علی ما نقض علیه» در مجله الفکر الاسلامی (ش ۲، ربیع‌الآخر - جمادی‌الآخره ۱۴۱۴، ص ۹۴-۱۲۳) به این موضوع

پرداخته‌اند. محمد عبدالله نیز در مقاله «نقد مقال مع الطوسی فی رجاله» در مجله الفکر الاسلامی (ش ۵، محرم - ربیع‌الاول ۱۴۱۵، ص ۲۰۵-۲۱۰) مقاله دریاب نجفی را نقد کرده‌است.

دقت در مصداقهای این اشکال نشان می‌دهد که شیخ طوسی بیشتر افراد مذکور در باب آخر رجال را از فهرست خود برگرفته بوده‌است (ادامه مقاله)؛ و به نظر می‌رسد که او درباره کسانی که در فهرست به روایتشان از امامان تصریح نکرده، این ذهنیت را داشته‌است که آنان از امامان روایت نکرده بوده‌اند؛ ازاین‌رو، نام این افراد را در باب آخر آورده‌است. این در حالی است که در هنگام نگارش رجال به مصادر تازه‌ای مراجعه کرده که در آنها به روایت این افراد از امامان علیهم‌السلام اشاره شده بوده‌است. بنابراین، کامل نبودن مصادر شیخ طوسی در هنگام تألیف فهرست و اعتماد به آن سبب بروز چنین اشتباهی در بیشتر موارد گردیده‌است (شبیری، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۸۹).

اشکال دیگر در رجال طوسی تکرار نام یک راوی در یک باب است، که سبب آن ترتیب کامل نداشتن نامهای این کتاب است. توضیح اینکه در رجال ترتیب الفبایی فقط در آغاز نام راویان رعایت شده و حتی راویان همانم در کنار هم قرار نگرفته‌اند، و همین سبب شده‌است که گاهی در هنگام برگرفتن نامها از دو مصدر به تکراری بودن آنها توجه نشود (شوشتری، ج ۲، ص ۳۱۱؛ خلخالی، ج ۴، ص ۲۷۶). البته گاهی نام تکراری با اختلاف تعبیر همراه است و می‌توان احتمال داد که شیخ طوسی آنها را یکی نمی‌دانسته‌است (ص ۴۰۸، ش ۵۹۴۳، قس ص ۴۱۴، ش ۵۹۹۳ و ص ۱۷۶، ش ۲۰۸۷، قس ص ۱۷۸، ش ۲۱۲۹؛ نیز شوشتری، ج ۲، ص ۵۵۲). در برخی دیگر یکی بودن دو نفر قطعی نیست لذا به‌رغم احتمال یکی بودن آنها، هر دو نام را درج کرده‌است (شوشتری، ج ۱، ص ۲۰۴؛ برای نمونه ص ۱۷۸، ش ۲۱۳۴، که احتمالاً با یکی از دو شماره ۲۱۲۰ و ۲۱۲۱ یکی است). اما در بسیاری از موارد، یکی بودن دو نام قطعی است (برای نشانی گروهی از این نامها شیری، ۱۳۷۰، ش ۱۹۲). ضمن آنکه گاهی تحریف یک نام در مصادر نخستین موجب تکرار گردیده‌است (مثلاً ص ۱۷۱، ش ۲۰۰۹، قس ص ۳۲۳، ش ۴۸۳۳؛ نیز دارقطنی، ج ۱، ص ۱۷۵؛ شوشتری، ج ۱، ص ۶۶، ج ۲، ص ۲۷۵). تکرارها در رجال طوسی در مقایسه با حجم کلی نامهای ذکرشده در آن اندک است، ولی در قیاس با رجال نجاشی بسیار بیشتر است. ازاین‌رو گفته شده‌است، عادت شیخ طوسی نقل همه اطلاعات منابع پیشین است، برخلاف نجاشی که عادت وی تحقیق در مطالب است (استرآبادی، ج ۳، ص ۳۵۳). به هر روی، در بررسی یکی بودن یا نبودن عناوین راویان باید به این بحث توجه کرد (محمدرضا حسن‌بن‌زین‌الدین، ج ۱،

ص ۱۵۶، ج ۳، ص ۴۰۹؛ اردبیلی، ج ۱، ص ۲۰۵؛ مازندرانی حائری، ج ۴، ص ۷۸؛ خویی، ج ۵، ص ۳۴، ۳۷۴. هرچه فاصله صفحات تکرار دو نام در رجال شیخ کمتر باشد، احتمال یکی بودن کمتر است، به همین دلیل، برای بررسی رجالی یکی بودن نامها باید به اصل کتاب رجال مراجعه کرد و به مطالب نقل شده از آنها در کتب دیگر همچون جامع الرواة، و تنقیح المقال و معجم رجال الحديث نباید اکتفا نمود. از این جهت، در برخی کتابهای رجالی در اینگونه بحثها به فاصله داشتن و نداشتن نامها و مقدار فاصله آنها در رجال شیخ طوسی توجه شده است (مثلاً شوشتری، ج ۱، ص ۲۵۸، ج ۲، ص ۱۰۵، ۷۶۷، ج ۸، ص ۲۹۸، ج ۹، ص ۱۴۱؛ مامقانی، ج ۱۳، ص ۲۲۳).

برخی در اعتبار توثیق و تضعیف شیخ طوسی به دلیل اختلاف گفتار وی در این زمینه تردید کرده اند، اما علمای دیگر این تردید را روا ندانسته و باتوجه به اندک بودن اشتباههای رجال آن را معتبر شمرده اند (کلباسی، ج ۱، ص ۱۵۸-۱۶۲). درواقع، میزان اعتبار مطالب رجال طوسی به میزان اعتبار منابع آن وابسته است، مثلاً آنچه از فهرست ابن بطة اخذ شده است (ادامه مقاله)، باتوجه به سخن نجاشی (ص ۳۷۳) درباره اشتباههای فراوان آن کتاب، چندان اعتبار ندارد. اما برای اثبات راوی بودن یک فرد، رجال طوسی اعتبار لازم را دارد، چون در این خصوص اشتباه چندانی در آن دیده نشده است.

گاهی مؤلف منبعی که شیخ طوسی به آن اعتماد و از آن نقل کرده، در شناخت امام معصوم که در سند حدیث واقع شده، اشتباه کرده است، مثلاً بکرین صالح از اصحاب امام باقر علیه السلام شمرده شده (ص ۱۲۷) که ظاهراً اشتباه است، زیرا وی همان بکرین صالح صبی رازی از اصحاب امام رضا علیه السلام است (ص ۳۵۳). در برخی روایات نیز بکرین صالح از ابوجعفر روایت می کند (کلینی، ج ۴، ص ۳۵۲؛ طوسی، تهذیب، ج ۵، ص ۴۱۲)، که مراد از ابوجعفر به قرینه طبقه و دیگر نقلهای همان روایات یا روایات دیگر، امام جواد علیه السلام است (ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۵۳؛ مفید، ۱۴۰۳، ص ۱۹۱؛ طوسی، تهذیب، ج ۵، ص ۳۱۱)، ولی ظاهراً در منبع شیخ طوسی، ابوجعفر در این روایات امام باقر پنداشته شده و به این دلیل، به جای ذکر بکرین صالح در اصحاب امام جواد در شمار اصحاب امام باقر از او سخن گفته شده است (شوشتری، ج ۲، ص ۳۶۹). در برخی موارد هم به سبب محرف بودن سند اصلی در رجال طوسی اشتباه رخ داده، مثلاً نام غیاث بن ابراهیم در اصحاب امام باقر درج شده (ص ۱۴۲)، در حالی که چنین اطلاعی در جایی دیده نشده است؛ بعید نیست در سندی به جای «عن جعفر» که

غیاث بن ابراهیم با آن تعبیر از امام صادق روایت دارد (شوشتری، ج ۸، ص ۳۵۳) - به اشتباه «عن ابي جعفر» ثبت شده و همین سند محرف سبب شده باشد که وی از اصحاب امام باقر شمرده شود (نیز نجاشی، ص ۳۵؛ شبیری، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۴۲۴). در باب اصحاب امام صادق نام محمد بن ابی عمیر (در نسخ معتبر: عمر) البزاز بیاع السابری ذکر و به روایت حسن بن محمد بن سماعة از وی تصریح شده است (ص ۲۹۹، ش ۴۳۸۷)؛ حسن بن محمد بن سماعة از محمد بن ابی عمیر معروف، که از او با وصف بزاز (ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۹۰؛ همو، علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۲۹) و بیاع السابری (کلینی، ج ۵، ص ۴۴۸، ج ۸، ص ۱۱۰، ۳۳۱) یاد شده، بسیار روایت کرده است. اما ابن ابی عمیر از اصحاب امام صادق نیست و ظاهراً مأخذ طوسی در این خصوص به سندی اعتماد کرده که در آن افتادگی (و چه بسا تحریف) رخ داده یا این شخص را با شخصی همانام وی اشتباه گرفته است (خویی، ج ۱۴، ص ۲۷۹-۲۸۰؛ شوشتری، ج ۹، ص ۳۹) مشابه همین امر موجب شده که حسن بن محمد بن سماعة (متوفی ۲۶۳) نیز به اشتباه در عداد اصحاب امام کاظم درج شود (طوسی، رجال، ص ۳۳۵، ش ۴۹۹۴)؛ یعنی مأخذ طوسی به برخی اسناد تحریف شده یا برخی روایات مرسل اعتماد داشته است. احتمال دیگر آن است که نام حسن بن محمد بن سماعة، که از بزرگان واقعه بوده، در کنار نام واقعیانی از اصحاب امام کاظم قرار گرفته و به اشتباه از اصحاب ایشان انگاشته شده است (شوشتری، ج ۳، ص ۳۶۴).

استناد شیخ طوسی در رجال به نسخه تحریف شده رجال کشی یا به خطاهای این کتاب که بر اثر تحریف مصادر آن رخ داده نیز اشتباهاتی را سبب شده است (همان، ج ۱، ص ۵۳)؛ از جمله نام بردن از دو تن به نام حفص بن عمرو و محمد بن حفص بن عمرو در زمره اصحاب امام عسکری علیه السلام (ص ۳۹۸، ش ۵۸۴۴، ص ۴۰۲، ش ۵۸۹۶؛ قس کشی، ص ۵۳۱-۵۳۲) که این دو نام تحریف شده نامهای عثمان بن سعید و فرزندش محمد بن عثمان، نمایان خاص امام زمان عجل الله فرجه، است (شوشتری، ج ۳، ص ۵۸۶، ج ۹، ص ۲۳۱). با این حال، اینگونه اشتباهات در رجال طوسی اندک است و بنابراین اگر کسی را در بابی از بابهای راویان امامان ذکر کرده باشد، برای اثبات راوی بودن وی می توان بدان استناد کرد، اما از این کتاب برای نفی راوی بودن کسانی که در اصحاب امامان از آنها سخن نرفته است، نمی توان بهره جست. زیرا هرچند شیخ طوسی در صدد گردآوری اطلاعات درباره همه راویان معصومان بوده است، با مراجعه به کتب حدیث به نامهای بسیاری برمی خوریم که به رجال وی منتقل نشده اند. حتی در

کتاب تهذیب الاحکام* که نخستین اثر طوسی است و تألیف آن در زمان شیخ مفید (متوفی ۴۱۳) آغاز شده است، راویان زیادی وجود دارند که در رجال شیخ نام آنان نیامده است. این نکته نشان می‌دهد که طوسی، خود، کتب حدیث را بررسی نکرده و بنا بر قرائن، در مقام تألیف رجال فقط اطلاعات کتب رجالی پیشین را گرد آورده است. از این جهت جز باب اصحاب الصادق علیه السلام، در بابهای دیگر که منبعی جامع دربارهٔ راویان معصومان در اختیار شیخ طوسی نبوده، راویان از قلم افتاده بسیارند؛ به ویژه در باب اصحاب پیامبر اکرم، که نامهای ذکر شده بسیار کم است. در این باب فقط ۴۶۹ نام دیده می‌شود، در حالی که در *أسد الغابة* اثر ابن اثیر (متوفی ۶۳۰)، ۷۷۰۳ نام دیده می‌شود، هرچند همهٔ آنها از پیامبر روایت نکرده‌اند. به نظر می‌رسد طوسی از آثار مختص شناخت صحابیان پیامبر، کتابی در اختیار نداشته است.

درخصوص اصحاب امام صادق، طوسی از رجال ابن عقده که آن را کتابی جامع خوانده، بهره برده است. او نخست اطلاعات آن کتاب را آورده و سپس اطلاعات دیگر را بدان افزوده است. شناخت راویان یادشده در باب اصحاب امام صادق که اطلاعات آنها از رجال ابن عقده گرفته شده، در گرو دقت در شیوهٔ تنظیم این باب است، که در آن، برخلاف دیگر بابهای کتاب، ترتیب خاصی دیده می‌شود، توضیح اینکه در این باب، ذیل هر یک از حروف الفبا، افراد همنام به روش خاصی در کنار هم ذکر شده‌اند. اما این ترتیب تا پایان ادامه نیافته و نامهایی بدون ترتیب خاص آورده شده است که حاکی از تغییر منبع است و تصادفی نیست. براین اساس، به نظر می‌رسد ذیل هر یک از حروف الفبای این باب، نامهایی که به ترتیب ویژه‌ای درج شده‌اند از رجال ابن عقده برگرفته شده‌اند و نامهای پایانی برگرفته از منبع یا منابع دیگر است. از مقایسهٔ دسته دوم نامها با رجال برقی، منسوب به احمد بن محمد بن خالد برقی*، روشن می‌شود که منبع اصلی رجال طوسی در این دسته از نامها، آن کتاب بوده است (برای تفصیل ← شبیری، ۱۳۷۰، ص ۱۷۴-۱۹۰). به نظر خوبی (ج ۱، ص ۵۹)، طوسی در این باب از کتاب *زیادات ابن نوح سیرافی** (قرن چهارم و پنجم) که مستدرکی بوده بر رجال ابن عقده، بهره جسته است. اما هرچند در مواضعی از رجال طوسی بارها عبارت «وَوَيْ عَنهُ ابْنُ نُوْحٍ» قید شده است (مثلاً ص ۴۱۳، ۴۲۰، ۴۲۵، ۴۴۶)، این امر دلیلی بر آنکه وی کتاب یا کتابهای ابن نوح را در اختیار داشته، نیست، بلکه ممکن است او این شرح حالها را از اجازه‌های برخی از مشایخ خود اخذ کرده باشد که از شاگردان ابن نوح بودند. از عبارت فهرست طوسی در شرح حال ابن نوح (ص ۸۷) برمی‌آید که کتب ابن نوح به صورت مسووده مانده و وی در هنگام تألیف فهرست به

هیچ یک از آنها، حتی به مسووده‌ها، دسترسی نداشته است و هیچ شاهی نداریم بر اینکه در هنگام تألیف رجال به این کتابها، به ویژه به کتاب *زیادات* دست یافته بوده است. جداسازی نامهای برگرفته از رجال ابن عقده و نامهای دیگر، فواید رجالی مهمی دربردارد، از جمله معلوم می‌شود که رجال ابن عقده کمی کمتر از سه هزار نام را در برداشته و این سخن که در آن نام چهار هزار راوی از راویان امام صادق درج شده بوده است، سخن دقیقی نیست؛ ممکن است مجموع راویان مذکور در این کتاب و *زیادات* ابن نوح به چهار هزار تن برسد. دانستن تعداد نامهای رجال ابن عقده در بررسی این سخن که همهٔ رجال ابن عقده ثقه بوده‌اند، مؤثر است. با تفکیک نامهای باب اصحاب امام صادق نادرستی این سخن که اطلاعات راجع به همهٔ افراد مذکور در این باب از رجال ابن عقده گرفته شده و از این راه وثاقت آنها نتیجه گرفته شده است، آشکارتر می‌گردد.

یکی دیگر از فواید مهم جداسازی نامهای رجال شیخ طوسی در باب اصحاب امام صادق، تأثیر آن در تفسیر عبارت «اسند عنه» در این باب است. این عبارت بنابر نسخه‌های معتبر رجال طوسی در ۲۸۷ مورد به کار رفته که همگی در باب اصحاب امام صادق و در نامهای برگرفته از رجال ابن عقده است؛ فقط یکی از موارد آن در باب اصحاب امام باقر علیه السلام است (ص ۱۳۳، ش ۱۳۶۰) که آن هم در باب اصحاب امام صادق تکرار شده است (ص ۱۸۷، ش ۲۲۹۶). از این جهت، این عبارت با رجال ابن عقده ارتباط خاصی دارد. گفتنی است که در نسخه چاپی رجال طوسی این عبارت ۳۵۰ بار آمده که برخی از موارد آن در بابهای اصحاب دیگر امامان است (مثلاً به ویژه در اصحاب امام رضا هفت بار)، ولی این افزوده‌ها در نسخه‌های خطی معتبر رجال طوسی وجود ندارد (شبیری، ۱۳۷۰، ص ۱۹۱؛ نیز ← صدر، ص ۴۰۰؛ مازندرانی حائری، ج ۱، ص ۷۶؛ کلباسی، ج ۲، ص ۱۶۵؛ قس خویی، ج ۱، ص ۱۰۷-۱۰۸).

دربارهٔ عبارت «اسند عنه» بحثهای بسیار شده است، اینکه آیا این فعل به صیغهٔ معلوم است (أَسْنَدَ) یا به صیغهٔ مجهول (أُسْنِدَ)؟ مرجع ضمیر مستتر در فعل و مرجع ضمیر در «عنه» کدام است؟ آیا عبارت از الفاظ مدح است یا از الفاظ ذم یا دلالتی بر مدح یا ذم راوی ندارد (برای نمونه ← میرداماد، اثنی عشر رساله، ص ۲۸؛ محمدتقی مجلسی، ج ۱۴، ص ۶۴، ۳۶۹؛ محمدباقر مجلسی، ۱۴۰۶-۱۴۰۷، ج ۵، ص ۶۰۵، ج ۱۲، ص ۶۶، ج ۱۴، ص ۱۳۶، ۲۲۶؛ محمدباقر بهبهانی، ص ۳۱؛ نوری، ج ۳، ص ۴۹۴، ج ۴، ص ۱۹۱، ج ۵، ص ۲۷۰؛ شوشتری، ج ۱، ص ۸۱؛ نیز ← محمدرضا حسینی جلالی، ۱۴۰۶، ص ۹۸-۱۵۴؛ ذریاب نجفی، ص ۱۸۲-۱۸۳). برخی این نظر را برگزیده‌اند که طوسی در رجال روش ویژه‌ای داشته و از باب اصحاب امام باقر علیه السلام

روایت وی را نیز نقل کرده است (علامه حلی، ۱۴۱۷، ص ۳۲۱-۳۲۲)، چنانچه حدیث نقل شده در کتاب ابن عقده به شکل مسند از پیامبر روایت شده بوده، با آوردن عبارت «اسند عن» بدان اشاره کرده است.

گفتنی است در رجال ابن عقده اگر راوی از امام باقر هم روایت داشته، بدان اشاره شده است (ابن عقده*). به همین دلیل، دارقطنی (ج ۲، ص ۸۳۱) از این کتاب با عنوان فیمن روی عن ابی جعفر و ابی عبدالله جعفر بن محمد یاد کرده است (قس ابن حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۳۹۹). حال با ملاحظه بسیاری از نامهای باب اصحاب امام باقر در رجال طوسی، که به همان ترتیب در باب اصحاب امام صادق نیز آمده اند، روشن می شود که یکی از منابع طوسی در این باب نیز رجال ابن عقده بوده است (مثلاً ص ۱۳۵، از ش ۱۴۰۶ تا ۱۴۱۴ که دقیقاً با همان ترتیب در ش ۲۶۵۵، ۲۶۵۶، ۲۶۸۴، ۲۶۸۵، ۲۶۸۸، ۲۶۹۶، ۲۶۹۸، ۲۷۰۱، ۲۷۰۲ نیز آمده است).

یگانه منبعی که طوسی به آن تصریح کرده، رجال ابن عقده است (طوسی، رجال، ص ۱۷). از دیگر مأخذ این کتاب، رجال برقی است که در بابهای اصحاب امام باقر تا اصحاب امام حسن عسکری از آن استفاده کرده است (شبییری زنجانی، ج ۲، ص ۵۳؛ برای جزئیات نسبت رجال طوسی با رجال برقی شبیری، ۱۳۷۰ ش، ص ۱۹۹). در باب اصحاب پیامبر اکرم از رجال شیخ طوسی، مطالبی از ابن عقده نقل شده (ص ۴۸، ش ۳۸۸ و ۳۹۵) که باید از کتاب تاریخ وی برگرفته شده باشد (نجاشی، همانجا؛ طوسی، فهرست، ص ۶۸). در این باب همچنین سخنانی از بغوی (ص ۲۴)، بخاری (چند بار از جمله ص ۲۵ و به تصحیف بخاری به الغارات در ص ۲۸، ش ۹۲)، احمد بن حنبل (ص ۳۲) و محمد بن اسحاق (ص ۳۳) نقل شده که به نظر می رسد، مستقیم یا غیرمستقیم، از کتابهای آنان اخذ شده است.

در باب اصحاب امیرمؤمنان علیه السلام مطلبی از کشی نقل و نقد شده است (ص ۸۱) که باید از اصل رجال او گرفته شده باشد (طوسی، فهرست، ص ۳۸۱؛ شوشتری، ج ۸، ص ۶۱۷). در این باب (ص ۶۸) و در باب اصحاب امام حسن مجتبی علیه السلام از سعد بن عبدالله اشعری (ص ۹۶، نیز ص ۱۰۶؛ شوشتری، ج ۱۲، ص ۳۱۳) مطلبی نقل شده که احتمالاً از کتاب طبقات الشیعة وی گرفته شده (نجاشی، ص ۳۴۱، ۴۳۶)، البته در باب اصحاب امام رضا علیه السلام هم مطلبی از او نقل شده (ص ۳۵۱) که ظاهراً برگرفته از رجال برقی است (شبییری، ۱۳۷۰ ش، ص ۲۰۹). در باب اصحاب امام باقر از علی بن حسن بن فضال مطلبی نقل شده است (ص ۱۲۷) که باید برگرفته از کتاب رجال وی باشد (همو، فهرست،

به بعد، همه اصحاب الروایة، و نه فقط اصحاب اللقاء، را در این کتاب آورده است. آنان با این قول، ناسازگاری پاره ای از کلمات طوسی با کلمات دیگر وی یا دیگر رجالیان را برطرف ساخته اند (میرداماد، الرواشح، ص ۱۰۸؛ بحر العلوم، ج ۳، ص ۲۸۱؛ برای نقد این نظر به ویژه آقامحمدعلی بهبهانی، ج ۲، ص ۳۴۶؛ کلباسی، ج ۱، ۱۴۰، ج ۲، ص ۱۶۶).

با مراجعه به لسان المیزان ابن حجر عسقلانی که در جایی تعبیر «اسند عن» را به «اسند عن جعفر الصادق» تبدیل (ص ۱، ص ۵۸، ش ۱۴۴؛ قس طوسی، رجال، ص ۱۵۷، ش ۱۷۳۶)، و مشابه آن را از علی بن حکم نقل کرده (ج ۲، ص ۱۹۰، ش ۱۸۶۶) و از طوسی نیز عبارت «أُسْنَدُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ» را آورده است (ج ۲، ص ۳۳۱) و با توجه به کاربرد مشابه آن در کتب اهل سنت (مثلاً خطیب بغدادی، ج ۳، ص ۴۲۱، ج ۴، ص ۸۹، ج ۷، ص ۵۳۲، ج ۸، ص ۱۶۸، ج ۱۱، ص ۳۰۱، ج ۱۴، ص ۱۱۱)، درمی یابیم که مراد از این تعبیر، نقل روایت مسند از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم توسط راوی از طریق امام معصوم (مثلاً امام صادق) است، و فعل «اسند» به صیغه معلوم و فاعل آن همان شخصی است که این عبارت در شرح حال وی آمده و مرجع ضمیر در «عن» امامی است که این عبارت در باب متعلق به اصحاب وی نقل شده است.

برای بیشتر روشن شدن این سخن باید گفت از گرایشهای محدثان سده چهارم و پنجم گردآوری احادیث مسند از پیامبر بوده است. از آن میان، مثلاً ابن عقده مُسْنَدُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ* و کتاب أخبار ابی حنیفه و مُسْنَدُهُ را تألیف کرده (نجاشی، ص ۹۴؛ طوسی، فهرست، ص ۶۹) و ابونعیم اصفهانی (متوفی ۴۳۰)، از معاصران طوسی کتابی با نام مسند ابی حنیفه شامل روایات مسند ابوحنیفه از مشایخ خود از پیامبر را گرد آورده بوده است؛ ظاهراً یکی از منابع وی، کتاب ابن عقده بوده، و به همین دلیل نام ابن عقده در آن بسیار ذکر شده است (ص ۳۱، ۳۷، ۴۷، ۵۹، ۶۸، ۹۶، ۱۱۷، ۱۵۴، ۱۶۱، ۲۴۹، ۲۷۱، ۲۷۳).

ابونعیم در این کتاب (ص ۱۲۸) عبارت «اسند عن» را در همان معنای پیشگفته به کار برده است. در جایی دیگر از کتاب (ص ۶۵) نیز اسناد در مقابل حکایت قرار گرفته است: «حکای عن» و لم یُسْنِدْ عن»، که دقیقاً به همان معناست (نیز ص ۱۰۵). به نظر می رسد این اصطلاح در کتاب ابونعیم و منبع آن، کتاب ابن عقده، به یک معنا به کار رفته است. به این دلیل، عبارت «اسند عن» در رجال طوسی هم، به معنای نقل حدیث مسند از پیامبر توسط راوی از طریق امام صادق است. احتمال دارد این عبارت از رجال ابن عقده به رجال شیخ طوسی منتقل شده باشد، همچنین این احتمال هست که شیخ طوسی در هنگام استفاده از رجال ابن عقده، که در آن ضمن شرح حال هر راوی

ص ۲۷۳) که در آن زمان نزد استادان خوانده می شد (نجاشی، ص ۲۵۹؛ نیز طوسی، فهرست، همانجا). در شرح حال جابر جعفی (ص ۱۲۹) از ابن حنبل، یحیی بن معین و قتیبی مطالبی نقل شده که احتمالاً نقل با واسطه بوده است.

در باب اصحاب امام جواد علیه السلام از فضل بن شاذان مطلبی نقل شده (ص ۳۷۹، ش ۵۶۱۹)، و در بابهای اصحاب امام هادی و امام عسکری علیه السلام پاره ای نقلیات ظاهراً برگرفته از اصل رجال کشی است (ص ۳۸۶، ش ۵۶۸۲؛ قس نجاشی، ص ۴۴ و ص ۳۹۸، ش ۵۸۳۸؛ قس نجاشی، ص ۴۵). در باب اصحاب امام هادی مطلبی هست (ص ۳۸۶، ش ۵۶۹۰) که سخنی نزدیک به آن در فهرست ابن ندیم (ج ۱، جزء ۲، ص ۶۸۹) دیده می شود (نیز طوسی، فهرست، ص ۱۸۳، به نقل از ابن ندیم و کشی). در باب اصحاب امام حسن عسکری نیز مطلبی از ابن قولویه نقل و نقد شده است (ص ۳۹۸، ش ۵۸۴۵؛ قس فهرست، ص ۱۰۹).

در فصل متعلق به کسانی که از امامان روایت نکرده اند، مجموعه های منظم از نامها دیده می شود که معرف مأخذ طوسی در این باب است. مثلاً شخصیت های شهرها و مناطق شرقی مثل سمرقند و سرخس و بلخ (ش ۵۹۲۱ تا ۵۹۳۶ و ۶۲۸۲ تا ۶۲۹۶) که مأخذ آن احتمالاً اصل رجال کشی است. چند شرح حال پی در پی به روایتهای حمید بن زیاد و مشایخ او اختصاص یافته (مثلاً از ش ۵۹۳۷ تا ۵۹۴۵ و ۶۱۷۱ تا ۶۱۷۸) که از فهرست حمید نقل شده است (نجاناشی، ص ۲۳۲، ۲۵۷).

در گروهی از شرح حالهای پی در پی به روایت تلعبیری از صاحب شرح حال و کیفیت و برخی جزئیات آن اشاره شده است (مثلاً از ش ۵۹۴۶ تا ۵۹۶۹ و ۶۰۵۲ تا ۶۰۵۵). منبع این شرح حالها، مشیخه هارون بن موسی تلعبیری* است که نام آن در لسان المیزان آمده است (ابن حجر عسقلانی، ج ۱، ص ۱۴۵، ۲۲۵، ج ۲، ص ۱۹۲؛ قس طوسی، رجال، ص ۴۱۲، ش ۵۹۶۴). گفتنی است که آقابزرگ طهرانی (ج ۲۱، ص ۷۱، نیز ج ۱۰، ص ۱۴۲) نیز از مشیخه تلعبیری یاد کرده و مراد او کتابی است که سیدکمال الدین عاملی در ۱۰۹۹ از منهج المقال استرآبادی (متوفی ۱۰۲۶ یا ۱۰۲۸) استخراج کرد و علی القاعده همه یا بخش اعظم آن همین منقولات شیخ طوسی است.

شماری از کسانی که شرح حال آنها درج شده با ابن بابویه ارتباط خاصی دارند و به قرآنی ظاهراً این شرح حالها از فهرست ابن بابویه گرفته شده است. همه تضعیفات این باب از رجال طوسی (از جمله ص ۴۱۲، ش ۵۹۷۳ و ۵۹۷۴، ص ۴۳۸، ش ۶۲۶۳ تا ۶۲۶۷) از مواردی اند که ابن ولید، و به تبع وی ابن بابویه، از نوادر الحکمه محمد بن احمد بن یحیی اشعری استثنا و از نقل

روایات ایشان خودداری کرده اند (برای یک مورد متفاوت ص ۴۱۴، ش ۵۹۹۴). شیخ طوسی این تضعیفات را از ابن ولید نقل نکرده، بلکه آنها را به ابن بابویه نسبت داده است (ص ۴۱۰، نیز ص ۴۰۲، ۵۱۲)؛ بنابراین، منبع وی فهرست ابن بابویه بوده است نه فهرست ابن ولید.

منبع گروهی از شرح حالهای پی در پی باب پیشگفته (برای نمونه ص ۵۹۸۱ تا ۵۹۸۹، باب میم، ش ۶۳۳۹ تا ۶۳۵۲)، بنا بر قراین، اجازه یا اجازه های برخی از مشایخ طوسی از جمله حسین بن عبیدالله غضائری (ص ۴۲۵، ش ۶۱۱۷) و احمد بن عبدون (ص ۴۱۳-۴۱۴، ش ۵۹۸۸) بوده است. افزون بر این، از شریف مرتضی و شیخ مفید، نیز در این باب یاد شده است (ص ۴۳۴، ۴۴۹). در این باب، در بیش از سی مورد طریق طوسی به افراد ذکر شده که به نظر می رسد از اجازه های مشایخ حدیث برگرفته شده است. از معاصران طوسی، فقط نام ابوالصلاح حلبی (متولد ۳۷۴) آمده و در آن به شاگردی وی نزد مؤلف و سید مرتضی تصریح شده است.

از منابع رجال طوسی که ۲۷ بار در همین باب آخر و یک بار در باب اصحاب امام کاظم علیه السلام (ص ۳۳۵، ش ۴۹۹۴) به نام آن تصریح شده، فهرست مؤلف است. اما شرح حالهای برگرفته از فهرست بسیار بیشتر از این است. این مطلب را یکسانی ترتیب شرح حالهای مشابه در این دو کتاب روشن می سازد، مثلاً در باب الف، از ش ۵۹۹۰ تا آخر باب (ش ۶۰۲۸)، دقیقاً به همان ترتیب در فهرست شیخ آمده است که نشان می دهد شیخ طوسی در رجال خود برگزیده ای از نامهای فهرست و چکیده ای از شرح حال ایشان را ذکر کرده است.

برای گزینش نامهایی از فهرست و درج آنها در این باب ملاکهایی در مدنظر بوده است، همچون روایت نکردن از امامان (که البته، چنانکه بیشتر گفته شد، گاهی استناد به تصریح نشدن به این امر در فهرست سبب اشتباه مؤلف شده است)؛ شیعه بودن که از این رو، از راویان غیر شیعه یاد نشده است (طوسی، فهرست، ص ۱۰، ش ۴، ص ۴۲۴، ش ۶۵۵، ص ۴۷۰، ش ۷۵۲)؛ راوی بودن که از این جهت، اشخاص صرفاً متکلم برگزیده نشده اند (ص ۳۱، ش ۳۶، ص ۲۵۵، ش ۳۷۱، ص ۴۷۳، ش ۷۶۰)؛ و تکراری نبودن، هر چند که گاهی در این باره غفلت شده است (ص ۳۶، رجال، ص ۴۴۵، ش ۶۳۲۹، ص ۴۴۸، ش ۶۳۶۹). در مجموع، حدود یک سوم نامهای این باب برگرفته از فهرست است؛ پاره ای از منابع فهرست همچون فهرست ابن بطة هم از منابع با واسطه رجال به شمار می آیند.

تنوع مطالب منابع رجال طوسی سبب تنوع مطالب کتاب گردیده، زیرا این کتاب بیشتر، مطالب مذکور در منابع رجالی پیشین را منعکس می سازد. همین نکته سبب شده است که یک

هیچ نشان و نقلی در آثار عالمان شیعی دیده نمی‌شود، هرچند اصل رجال طوسی به دست ابن داوود حلی رسیده‌است و برخی از عالمان خانواده شیخ طوسی نسخه‌هایی از کتابها را به خط وی در دست داشته‌اند (ابن‌ادریس حلی، ج ۳، ص ۶۰۱؛ ابن‌طاووس، جمال‌الاسبوع، ص ۱۶۰-۱۶۱؛ همو، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۱۱۴؛ همو، فلاح‌السائل، ص ۱۶۳). افزون‌بر این، برخی از مطالبی که ابن حجر به طوسی نسبت داده با سبک او در رجال بیگانه‌است، همچون ذکر شرح‌حالی مفصل (ابن حجر عسقلانی، ج ۱، ص ۴۱)، طعن در امام شافعی (ج ۱، ص ۶۹)، همنشینی با مالک و ثوری (ج ۲، ص ۷۲)، داستانی درباره عبداللّه بن طاووس (ج ۱، ص ۳۳۳-۳۳۴)، نقل یک یا دو روایت از صاحب شرح‌حال (ج ۱، ص ۳۸۹، ج ۲، ص ۱۱۹)، نام بردن از کتابهای شخص (ج ۱، ص ۳۲، ۱۰۲-۱۰۳)، و نیز نام بردن از شمار فراوانی از روایان و استادان شخص (ج ۱، ص ۱۰۲-۱۰۳، ۱۱۵، ۳۳۳، ۳۷۳) که به‌ندرت در رجال طوسی دیده می‌شود. ازاین‌رو، احتمال این‌که این مطالب از رجال طوسی باشد بسیار بعید است. درنتیجه، احتمال دسترسی ابن حجر به نسخه کامل‌تری از رجال پذیرفتنی نیست. می‌توان برخی از این منقولات متفاوت در لسان‌المیزان را حاصل خلط رجال شیخ با دیگر کتابهای وی همچون فهرست (ابن حجر عسقلانی، ج ۱، ص ۹۶، ش ۱۷۲؛ قس طوسی، فهرست، ص ۱۵، ش ۱۷) یا اختیار معرفة الرجال (ابن حجر عسقلانی، ص ۵۹۷، ش ۱۲۳۳؛ قس کشی، ص ۲۰۴)، یا خلط آن با دیگر کتابهای رجالی همچون رجال نجاشی (ابن حجر عسقلانی، ج ۱، ص ۷۲؛ قس نجاشی، ص ۲۲، ش ۳۲) دانست. ضمن آنکه تحریف نسخه‌ها و سبک ابن حجر عسقلانی در نقل به معنا را که گاه به دگرگونی عبارت اصلی می‌انجامد (شبییری زنجانی، ج ۱، ص ۴۲-۴۶)، نباید از نظر دور داشت. با این حال، این نکات همه تفاوت‌های موجود بین رجال طوسی و نقلهای ابن حجر را توجیه نمی‌کند؛ چه، بعضی از نامهایی که ابن حجر ذکر کرده (مثلاً ج ۱، ص ۲۳، ش ۱۷، ص ۴۷، ش ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۵، ص ۵۶، ش ۱۴۲)، در هیچ یک از کتابهای رجالی موجود دیده نمی‌شود. حل این نابسامانیها در گرو توجه به این نکته است که سبک نگارش بسیاری از این اطلاعات با سبک اطلاعاتی همخوانی دارد که ابن حجر از رجال‌الشیعة علی‌بن حکم نقل کرده‌است؛ این دو از جهاتی مشابه‌اند؛ همچون ذکر راوی و مَروئ عنّه در شرح حالها (ابن حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۲۹۱، ۴۸۵)، ذکر ملاقات شخص با عالمان اهل سنت (ج ۲، ص ۱۴۹، ۲۹۰، قس ج ۱، ص ۱۰۱، ۶۷۰، ج ۲، ص ۱۲۶) و به کاربردن تعبیرات خاص همچون «أَسَدٌ عن جعفر الصادق» (ج ۲، ص ۱۲۳، ۳۵۷، و مشابه آن در ج ۲، ص ۳۳۱، قس ج ۱، ص ۸۵).

راوی در بابهای مختلف به شکلهای گوناگون معرفی شود. تمایل حُمَید بن زیاد به ذکر برخی جزئیات درباره افراد، مثل تاریخ درگذشت و کیفیت دفن، سبب شده‌است که اطلاعات رجال طوسی درباره افرادی که مأخذ شرح حالشان رجال حمید بن زیاد است، مشابه هم باشد. به علاوه، انعکاس مطالب منابع متقدم سبب شده‌است که برخی افراد در رجال شیخ طوسی توثیق شوند، اما درباره افراد دیگری دقیقاً با همان خصوصیات، سکوت اختیار گردد. اختلاف نظر طوسی در پاره‌ای مطالب رجال با نظر وی در فهرست یا کتب دیگر وی در پاره‌ای موارد (برای نمونه رجال، ص ۳۸۷، ش ۵۶۹۹؛ قس فهرست، ص ۲۲۸، ش ۳۳۹؛ استبصار، ج ۳، ص ۲۶۱) نیز بیشتر به اختلاف دیدگاه مأخذ این کتابها بازمی‌گردد.

نجاشی (ص ۴۰۳) در شرح حال شیخ طوسی، نام رجال را همراه نام فهرست وی درج کرده‌است، ازاین‌رو، برخی تألیف رجال نجاشی را پس از این دو کتاب دانسته و آن را از دلایل ترجیح کلام نجاشی بر کلام شیخ طوسی در مواقع اختلاف شمرده‌اند (بحرالعلوم، ج ۲، ص ۴۶). ولی هیچ شاهدی در دست نیست که نجاشی هنگام نگارش کتاب رجال خود به رجال طوسی دسترسی داشته‌است و بدان مراجعه کرده، بلکه ممکن است پس از تألیف رجال نجاشی، نام رجال طوسی در شرح حال وی افزوده شده باشد (ابن حجر نجاشی*).

سیداحمد بن طاووس (متوفی ۶۷۳) نام راویانی را که مدح یا ذم شده‌اند از پنج کتاب اصلی رجال که رجال طوسی نیز یکی از آنهاست، در کتاب حلّ الاشکال گرد آورده‌است (صاحب معالم، ۱۴۱۱، ص ۴) و علامه حلی، شاگرد وی، نیز مطالب این کتابها را در کتاب رجال خویش آورده که به گفته برخی محققان غالباً به واسطه حلّ الاشکال است (ابن حجر عسقلانی، ش ۱۳۶۵-۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۸، ۱۸). دیگر شاگرد وی، ابن داوود حلی، نیز در کتاب رجال خود که غالب نکات توضیحی آن از حلّ الاشکال است (ابن داوود حلی، ستون ۴۶) - مطالب کتابهای رجالی پیشین، از جمله رجال طوسی با رمز «جخ»، را درج کرده‌است.

ابن داوود حلی به نسخه اصلی رجال شیخ طوسی به خط مؤلف دسترسی داشته و در چهل مورد از آن نقل کرده‌است (از جمله ستون ۸۲، ۱۳۳، ۱۵۲، ۲۲۶)، بیشترین نقل از رجال طوسی در مجلد اول و دوم لسان‌المیزان (نزدیک به چهارصد مورد) دیده می‌شود (نیز ابن حجر عسقلانی، ج ۴، ص ۲۵۸) که غالباً با تعبیر «رجال‌الشیعة» از آن یاد شده‌است (نیز ابتدای مقاله). میان منقولات وی از آن و رجال شیخ طوسی تفاوت‌های چشمگیری هست، که برخی آن را نشانه دسترسی ابن حجر به نسخه کامل‌تری از این کتاب دانسته‌اند (طوسی، فهرست، مقدمه طباطبائی، ص ۴۰-۴۱). اما از چنین نسخه‌ای

نکته درخور توجه اینکه هرچند ابن حجر از منابع شیعی همچون کتاب ابن ابی طی (متوفی ۶۲۵ یا ۶۳۰) و تاریخ الری مستجب الدین رازی (متوفی ۵۸۵) در مجلدات مختلف لسان المیزان نقل کرده، از رجال الشیعه علی بن حکم فقط در دو جلد نخست کتاب نقل کرده، همچنانکه نقل از رجال طوسی نیز همین گونه است (برای یک استثنا ← ابن حجر عسقلانی، ج ۵، ص ۹۱). از این رو، به نظر می رسد ابن حجر نسخه ای از رجال طوسی را در اختیار نداشته، بلکه از آن به واسطه رجال الشیعه علی بن حکم نقل کرده است، بی آنکه به نام این واسطه اشاره کند. گاهی نیز منقولات علی بن حکم از رجال طوسی با افزوده های کتاب علی بن حکم و مطالب آن درهم آمیخته است. با دقت در نقلهای صریح ابن حجر از کتاب علی بن حکم، که در بیشتر آنها (حدود سی تن) از رجال طوسی هم نقل شده است و بیشتر راویان رجال علی بن حکم از اصحاب امامان اند، به نظر می رسد که رجال علی بن حکم در اصل، بر محور رجال شیخ طوسی و برای تکمیل آن نگاشته شده بوده است. در واقع، مؤلف با استفاده از کتب رجالی دیگر، رجال طوسی را تکمیل کرده و برای یافتن اطلاعات بیشتر درباره شاگردان و مشایخ راویان، افزون بر اطلاعات ضمنی کتب رجالی، به کتب حدیثی طوسی (بیش از همه امالی و تهذیب الاحکام) و دیگران (بیش از همه کمال الدین ابن بابویه) مراجعه کرده است. از جهت منابع حدیثی منقولات ابن حجر بین مواردی که صریحاً از علی بن حکم نقل کرده با مواردی که به رجال طوسی نسبت داده است و در رجال طوسی و دیگر کتب رجالی نیست نیز شباهت بسیاری هست و این همه مؤید این سخن است که منشأ اشکالات ابن حجر در نقل از رجال طوسی این بوده که وی به واسطه رجال علی بن حکم از طوسی نقل کرده است.

نکته مهم اینکه شبیه همین اشکالات در پاره ای از نقلهای ابن حجر از نجاشی (← ابن حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۱۰؛ قس نجاشی، ص ۱۱۲؛ ج ۲، ص ۲۱۵، ش ۲۰۴۵؛ قس نجاشی، ص ۲۱۵) و نیز در نقلهای وی از فهرست طوسی دیده می شود (ابن حجر عسقلانی، ج ۱، ص ۸۰، ش ۲۲۴؛ قس طوسی، فهرست، ص ۱۸، ش ۱۳؛ ج ۱، ص ۳۳۵، ش ۱۰۳۴؛ قس طوسی، فهرست، ص ۴۲، ش ۵۸؛ ج ۲، ص ۲۶۲، ش ۱۰۹۸). این نام در فهرست شیخ طوسی نیامده و بیشتر اطلاعات آن هم در رجال طوسی ص ۴۲۳، ش ۶۰۹۴ وجود ندارد. در این موارد نیز سبک اطلاعات افزوده مشابه اطلاعات افزوده به رجال طوسی و همخوان با اطلاعات رجال علی بن حکم است و نقل از این منابع نیز تقریباً منحصر به همان دو جلد نخست لسان المیزان است (برای یکی دو استثنا ← ابن حجر عسقلانی، ج ۴، ص ۲۵۸، ش ۷۰۶، به نقل از نجاشی؛ ج ۴، ص ۱۹۱، به

نقل از ابوجعفر طوسی در مصنفی الامامیه). به این دلیل، به نظر می رسد ابن حجر از این منابع به واسطه رجال الشیعه علی بن حکم استفاده کرده است. دقت در منقولات ابن حجر از کُشی هم نتیجه ای مشابه به دست می دهد هرچند این نقلیات از اصل رجال کُشی* است نه از گزیده شیخ طوسی، از این کتاب نیز منحصرأ در همان دو جلد نخست لسان المیزان نقل شده است، و بین اطلاعات نقل شده از کُشی با اطلاعات برگرفته از رجال علی بن حکم و اطلاعاتی که در نقل از منابع همچون رجال شیخ و فهرست وی و رجال نجاشی بر این منابع افزوده دارد، مشابهتهایی دیده می شود (برای نمونه ← ابن حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۸۱، ش ۳۲۲، ص ۳۹۷، ش ۱۲۵۶). بنابراین، به احتمال بسیار قسمتهایی از نقلهای ابن حجر از کُشی از رجال علی بن حکم گرفته شده و با مطالب اصل رجال کُشی درهم آمیخته شده است (گفتنی است که این علی بن حکم غیر از علی بن حکم بن زبیر است؛ ← دشتی، ص ۲۷۷-۳۰۲؛ مطهری، ص ۴۹-۷۱؛ قس آقابزرگ طهرانی، ج ۱۰، ص ۱۳۵). به جز رجال علی بن حکم که می توان آن را شرح گونه ای بر رجال شیخ طوسی دانست، آثار دیگری نیز بر محور این کتاب نوشته شده است، از جمله: ترتیب رجال شیخ طوسی براساس طبقات از سید یوسف بن محمد بن زین الدین حسینی شامی نگاشته به سال ۹۸۱ (نوری، ج ۳، ص ۲۸۶؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۶، ص ۶۷؛ محمدحسین حسینی جلالی، ج ۱، ص ۳۶۷)؛ ترتیب رجال شیخ طوسی براساس حروف الفبا از مولی عنایت الله قهپائی که در این کتاب به همراه ترتیب دیگر کتابهای رجالی درج شده است (← قهپائی، ج ۱، ص ۲)؛ ترتیب رجال شیخ طوسی و تعلیقه بر آن از آیت الله حاج آقا حسین بروجرودی* (محمد رضا حسینی جلالی، ۱۳۷۸ ش، ص ۳۵؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۱۰، ص ۱۱۲، ج ۲۶، ص ۱۸۸)؛ حاشیه رجال شیخ طوسی از میرداماد (افندی اصفهانی، ج ۵، ص ۴۳)؛ تعلیقه صغیره (بر تمام رجال شیخ طوسی) و تعلیقه کبیره (که تا نیمی از باب صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را دربردارد) از آیت الله سید موسی شبیری زنجان، این دو تعلیقه هنوز چاپ نشده است؛ شرح رجال شیخ طوسی از آیت الله سید محمدعلی موحد ابطحی (طلائیان، ص ۲۸۷). این کتاب نیز چاپ نشده است؛ ترجمه برخی از ابواب رجال شیخ طوسی به عنوان کتاب تابعین که در جلد سوم نسخ التواریخ درج شده است (آقابزرگ طهرانی، ج ۱۰، ص ۱۰۱). کتابهای جوامع رجالی نیز مطالب رجال شیخ طوسی را به همراه دیگر اصول رجالی به طور کامل نقل کرده اند، همچون مجمع الرجال، نقد الرجال، منهج المقال، تنقیح المقال*، معجم رجال الحدیث*. در این گونه کتابها گاهی، به ویژه در قاموس الرجال*، مطالب رجال شیخ طوسی بررسی شده است.

منابع: آقابزرگ طهرانی: ابن ادریس حلی، کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم ۱۴۱۰-۱۴۱۱: ابن بابویه، علل الشرایع، نجف ۱۳۸۵-۱۳۸۶، چاپ افست قم [بی.تا.]: همو، کتاب من لا یحضره الفقیه، چاپ علی اکبر غفاری، قم ۱۴۰۴: ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، حیدرآباد، دکن ۱۳۲۹-۱۳۳۱، چاپ افست بیروت ۱۳۹۰/۱۹۷۱: ابن داود حلی، کتاب الرجال، چاپ جلال الدین محدث ارموی، تهران ۱۳۸۳ ش: ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، چاپ هاشم رسولی محلاتی، قم [بی.تا.]: ابن طاووس، اقبال الاعمال، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم ۱۴۱۴-۱۴۱۶: همو، جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع، چاپ جواد قیومی اصفهانی، [قم] ۱۳۷۱ ش: همو، فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم، نجف ۱۳۶۸، چاپ افست قم ۱۳۶۳ ش: همو، کتاب فلاح السائل، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، [بی.تا.]: ابن غضائری، الرجال لابن الغضائری، چاپ محمدرضا حسینی جلالی، قم ۱۴۲۲: ابن ندیم: ابونعمان اصفهانی، مسند الامام ابی حنیفة (رحمة الله)، چاپ نظر محمد فاریابی، ریاض ۱۴۱۵/۱۹۹۴: محمد بن علی اردبیلی، جامع الرواة وازاحة الاشتباهات عن الطرق و الاسناد، ج ۱، قم: مكتبة المحدثين، [بی.تا.]: محمد بن علی استرآبادی، منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال، ج ۱ و ۳، قم ۱۴۲۲: محسن اعرجی، عُدّة الرجال، قم ۱۴۱۵: عبد الله بن عیسی افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۱-۱۴۱۵: محمد مهدی بن مرتضی بحر العلوم، رجال السید بحر العلوم، المعروف بالفوائد الرجالية، چاپ محمد صادق بحر العلوم و حسین بحر العلوم، تهران ۱۳۶۳ ش: اسماعیل بغدادی، هدیة العارفین، ج ۲، در حاجی خلیفه، ج ۶: آقا محمد علی بهبهانی، مقام الفضل، قم ۱۴۲۱: محمد باقر بن محمد اکمل بهبهانی، فوائده الوحید البهبهانی، در علی بن حسین خاقانی، رجال الخاقانی، چاپ محمد صادق بحر العلوم، [نجف ۱۳۸۸/۱۹۶۸]، چاپ افست [قم] ۱۴۰۴: علی بن موسی ثقة الاسلام تبریزی، مرآة الكتب، چاپ محمد علی حائری، قم ۱۴۱۴-: محمد بن حسن حزمی، امل الامل، چاپ احمد حسینی، بغداد [؟ ۱۳۸۵]، چاپ افست قم ۱۳۶۲ ش: همو، الفوائد الطوسية، چاپ مهدی لاجوردی حسینی و محمد درودی، قم ۱۴۰۳: محمد حسین جلالی، فهرس التراث، تحقیق محمد جواد حسینی جلالی، قم ۱۴۲۲: محمدرضا حسینی جلالی، «المصطلح الرجالی: أسند عنه»، تراثنا، سال ۱، ش ۳ (شتاء ۱۴۰۶): همو، المنهج الرجالی و العمل الرائد فی الموسوعة الرجالية لسید الطائفة آية الله العظمی البروجردی، قم ۱۳۷۸ ش: خطیب بغدادی: رضا خلخالی، المعتمد فی شرح المناسک، تقریرات درس آیت الله خویی، ج ۴، در موسوعة الامام الخوئی، ج ۲۹، قم: مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی، [بی.تا.]: خویی: علی بن عمر دارقطنی، المؤلف و المؤلف، چاپ موفق بن عبد الله، بیروت ۱۴۰۶/۱۹۸۶: محمود ذریاب نجفی، «أسند عنه» فی رجال الطوسی: معناها و دلالتها علی الجرح و التعديل؟»، الفكر الاسلامی، ش ۳ و ۴ (رجب - ذیحجه ۱۴۱۴): عبد الله دشتی، «علی بن الحکم، و کتابه (مشایخ الشیعة)! من هو؟، و این؟»، علوم الحدیث، ش ۲۲ (رجب ۱۴۲۸): محمد جواد شبیری، «ارتباط رجال شیخ و رجال برقی»، در مجموعه آثار سومین کنگره

جهانی حضرت رضا علیه السلام، ۱۳۶۸ ه. ش، ج ۲، مشهد: کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، ۱۳۷۰ ش: همو، توضیح الاسناد المشکلة فی الكتب الاربعة، قم ۱۴۲۹: موسی شبیری زنجان، جرعه ای از دریا، قم ۱۳۸۹ ش - : شوشتری: حسن بن زین الدین صاحب معالم، التحریر الطاووسی، چاپ فاضل جواهری، قم ۱۴۱۱: همو، منتقى الجُمان فی الاحادیث الصحاح و الحسان، چاپ علی اکبر غفاری، قم ۱۳۶۲-۱۳۶۵ ش: حسن صدر، نهاییة الدراية فی شرح الرسالة الموسومة بالجیزة للبهائی، چاپ ماجد غرباوی، [قم؟ ۱۴۱۳]: فضل بن حسن طوسی، اعلام الوری باعلام الهدی، قم ۱۴۱۷: رسول طلائیان، مأخذ شناسی رجال شیعه، قم ۱۳۸۱ ش: محمد بن حسن طوسی، الاستبصار، چاپ حسن موسوی خراسان، تهران ۱۳۹۰: همو، تلخیص الشافعی، چاپ حسین بحر العلوم، قم ۱۳۹۴/۱۹۷۴: همو، تهذیب الاحکام، چاپ حسن موسوی خراسان، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱: همو، الجمال و العقود فی العبادات، چاپ محمد واعظزاده خراسانی، مشهد ۱۳۴۷ ش: همو، رجال الطوسی، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم ۱۴۱۵: همو، الرسائل العشر، قم [؟ ۱۴۰۳]: همو، العُدّة فی اصول الفقه، چاپ محمدرضا انصاری قمی، قم ۱۳۷۶ ش: همو، فهرست کتب الشیعة و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول، چاپ عبدالعزیز طباطبائی، قم ۱۴۲۰: حسن بن یوسف علامه حلی، خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، چاپ جواد قیومی اصفهانی [قم] ۱۴۱۷: همو، قواعد الاحکام، قم ۱۴۱۳-۱۴۱۹: محمد بن حسن فتال نیشابوری، روضة الواعظین، قم: منشورات الرضی، [بی.تا.]: عناية الله قهپانی، مجمع الرجال، چاپ ضیاء الدین علامه اصفهانی، اصفهان ۱۳۸۴-۱۳۸۷، چاپ افست قم [بی.تا.]: اسد الله بن اسماعیل کاظمی، مقابیس الانوار، چاپ سنگی تبریز ۱۳۲۲، چاپ افست قم [بی.تا.]: محمد بن عمر کشتی، اختیار معرفة الرجال، [تلخیص] محمد بن حسن طوسی، چاپ حسن مصطفوی، مشهد ۱۳۴۸ ش: ابوالهدی کلایسی، سماء المقال فی علم الرجال، چاپ محمد حسینی قزوینی، قم ۱۴۱۹: کلینی (بیروت): محمد بن اسماعیل مازندرانی حائری، منتهی المقال فی احوال الرجال، قم ۱۴۱۶: عبد الله مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، چاپ محیی الدین مامقانی، قم ۱۴۲۳-: محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الانوار، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳: همو، ملاذ الاخبار فی فهم تهذیب الاخبار، چاپ مهدی رجائی، قم ۱۴۰۶-۱۴۰۷: محمد تقی بن مقصود علی مجلسی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، چاپ حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتیاردی، قم ۱۴۰۶-۱۴۱۳: جعفر بن حسن محقق حلی، المعتمد فی شرح المختصر، ج ۱، قم ۱۳۶۴ ش: همو، نکت النهایة، در محمد بن حسن طوسی، النهایة و نکتها، قم ۱۴۱۲: محمد بن حسن بن زین الدین، استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار، قم ۱۴۱۹-: مصطفى مطهری، «علماء الشيعة و مصنفاتهم فی مصادر اهل السنة»، تراثنا، سال ۲۵، ش ۳ و ۴ (رجب - ذیحجه ۱۴۳۰): محمد بن محمد مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم ۱۴۱۳: همو، کتاب الامالی، چاپ حسین استادولی و علی اکبر غفاری، قم ۱۴۰۳: محمد باقر بن محمد میرداماد، اثنتی عشر

رسالة للمعلم الثالث، رسالة ۸: حاشیة علی الاستبصار، [تهران، بی تا]: همو، الرواشح السماویة، چاپ غلامحسین قیصریه‌ها و نعمت‌الله جلیلی، قم ۱۳۸۰ ش؛ نجاشی: حسین بن محمدتقی نوری، خاتمة مستدرک الوسائل، قم ۱۴۱۵-۱۴۲۰.

/ سید محمد جواد شبیری

رجال غیب، در عرفان گروهی از بندگان خاص خدا که پوشیده از انظار مردم زندگی می‌کنند. بحث رجال غیب در متون عرفانی دسته‌گریخته و نامنسجم مطرح شده‌است. از منظر انسان‌شناسی عرفانی، رجال غیب گاه همان اولیاء‌الله* اند که سلسله‌مراتبی دارند و تعدادشان معین نیست، گاه ذیل طبقه اولیاء‌الله قرار می‌گیرند و تعدادشان محدود و معین است و گاه نه اولیاء‌الله‌اند و نه در طبقه ایشان، بلکه خود در طبقه ویژه «ابدالان» قرار می‌گیرند و تعدادشان نیز معین است. بنابراین، در کتب صوفیه دو رویکرد متفاوت دربارهٔ رجال غیب وجود دارد: در یکی، غیب صفت گروهی از بندگان خداوند است و از این جهت اختیار، ابدال، ابرار، اوتاد، نقبا، نجبا، قطب، خضر، الیاس، ادریس و عیسی همه از رجال غیب‌اند و در دیگری، رجال غیب طبقه‌ای از بندگان خاص خداوند به‌شمار می‌روند (ادامهٔ مقاله).

صوفیه غالباً بحث رجال غیب را ذیل برخی احادیث نبوی آورده‌اند. براساس یکی از این احادیث، که بیشتر در کتب صوفیه نقل شده‌است، خداوند ۳۵۶ بندهٔ خاص دارد که به شش طبقهٔ سیصدتنان (اخیار)، چهل تنان (ابدال*)، هفت تنان (ابرار)، پنج تنان (اوتاد)، سه تنان (نقبا) و یک تن (قطب یا غوث) تقسیم می‌شوند. طبقهٔ اول از حیث قلبی در مرتبهٔ آدم، طبقهٔ دوم در مرتبهٔ ابراهیم، طبقهٔ سوم در مرتبهٔ موسی، طبقهٔ چهارم در مرتبهٔ جبرئیل، طبقهٔ پنجم در مرتبهٔ میکائیل و طبقهٔ ششم در مرتبهٔ اسرافیل اند. از هر طبقه هر کس بمیرد، یک تن از طبقهٔ فروتر جایگزین او می‌شود و در آخرالزمان بر سیصد تن کسی اضافه نخواهد شد، بلکه، به تدریج، از تعداد افراد این طبقات به ترتیب کاسته می‌شود تا به قطب می‌رسد و چون قوام عالم به قطب است، آنگاه که او بمیرد و کس دیگری نباشد که بر جای او بنشیند، قیامت بر پا می‌شود (هجویری، ص ۳۲۱؛ نسفی، ۱۳۵۹ ش، ص ۷۹-۸۰؛ همو، ۱۳۴۱ ش، ص ۳۱۷-۳۱۸؛ قس چرخ، ص ۱۷ که رجال غیب را هفت طبقه دانسته‌است).

از ویژگیهای رجال غیب این است که کسی آنها را نمی‌شناسد. شناخته نبودن آنها از آن‌روست که آنان در پردهٔ غیب و از دیدگان مردمان پوشیده‌اند و نیز، ناظر به حدیث قدسی «اولیائی تحت قبائی لا یعرفهم غیری»، آنها به ظاهر همچون دیگرانند، اما باطن ایشان آراسته به علم و تقوا و ذوق و حضور

است، پس از چشم خلق پوشیده‌اند (نسفی، ۱۳۴۱ ش، ص ۳۱۹؛ چرخ، ص ۱۶؛ نظام‌الدین اولیاء، ص ۱۸-۱۹). از دیگر ویژگیهای رجال غیب آن است که دانا، مقرب درگاه الهی، صاحب کرامت، صاحب همت و مستجاب‌الدعوه‌اند. اگر در مشرق باشند، اهل مغرب را می‌بینند و سخن آنها را می‌شنوند و اگر بخواهند در چشم بر هم‌زدنی از مشرق به مغرب می‌روند. آرامش رجال غیب به ذکر، دانش ایشان به مشاهدهٔ خدا و ذوق ایشان به لقای اوست (نسفی، ۱۳۴۱ ش، ص ۳۱۸-۳۲۰؛ چرخ، همانجا). دربارهٔ هدایتگری آنها گفته شده که آنان شیخ و پیشوا نیستند و مردم را دعوت و تربیت نمی‌کنند، زیرا روی آنها فقط به سوی خداست، شاید به همین سبب «عزلیان» هم نامیده شده‌اند (نسفی، ۱۳۴۱ ش، ص ۳۱۹؛ نیز — چرخ، ص ۱۷)؛ اما بعضی از صوفیه اعتقاد دارند رجال غیب هر سالک شایسته‌ای را ارشاد می‌کنند و آگاه می‌سازند (نظام‌الدین اولیاء، ص ۱۸؛ زین خوافی، ص ۵۱۶).

همچنین، دربارهٔ اینکه رجال غیب یکدیگر را می‌شناسند یا نه، بعضی مانند هجویری (همانجا) عقیده دارند رجال غیب یکدیگر را می‌شناسند و در کارها به اذن هم محتاج‌اند، اما نسفی (۱۳۴۱ ش، همانجا) معتقد است تنها طبقهٔ بالاتر طبقهٔ پایین‌تر خود را می‌شناسد. به گفتهٔ نظام‌الدین اولیاء، از بزرگان عرفای هند (متوفی ۷۲۵؛ ص ۳، ۱۸-۱۹)، رجال غیب نزد مشایخ صوفیه آمدوشد دارند، اما کسی جز مشایخ صوفیه آنها را نمی‌بیند (قس انصاری، ص ۴۰۳، که این را ویژگی ابدال، به عنوان طبقه‌ای خاص، دانسته‌است) و اگر کسی غیر از مشایخ صوفیه آنها را ببیند، به گونه‌ای سخن می‌گویند که کسی سخنشان را نمی‌فهمد (هجویری، ص ۳۴۰).

سهروردی نیز در مقدمهٔ حکمة‌الاشراق حکما را طبقه‌بندی کرده و طبقه‌ای از حکما را «امام متأله» دانسته و ویژگیهایی برای او ذکر کرده‌است. از جمله آنکه، امام متأله هم در مباحث نظری و هم در مسائل باطنی تبحر دارد. به اعتقاد او، چنین کسی برای خلق ناشناخته و از چشم آنها پوشیده‌است، اما عالم از وجود او خالی نمی‌شود. این ویژگیها تقریباً شبیه ویژگیهای رجال غیب نزد صوفیه است (مجموعه مصنفات، ج ۲، ص ۱۱-۱۲؛ نیز — سهرزوری، ص ۲۸-۲۹؛ قطب‌الدین شیرازی، ص ۲۶-۲۷). به نظر می‌رسد سهروردی این مباحث را از آرای صوفیه به عالم فلسفه وارد کرده‌است.

ابن عربی در الفتوحات (ج ۲، ص ۹۶) رجال غیب را یکی از طبقات رجال‌الله یا رجال «عالم انفاس» می‌داند و در کنار اقطاب، اوتاد، امامان، ابدال، نقبا، نجبا، حواریون و رجیون قرار می‌دهد. او طبقهٔ رجال غیب را نیز به دو گروه تقسیم کرده‌است: گروه اول، از عالم ارواح بلندمرتبه‌اند و تعدادشان ده تن است که